

## شکستن قبح جرایم در خانواده



دکتر ابراهیم اندر خورا جامعه شناس و استاد دانشگاه شکستن قبح یا زشتی یک عمل در ارتباطات اجتماعی به عوامل مختلفی بستگی دارد. وقتی یک عمل مجرمانه در جامعه رخ می دهد که خانواده به آن واکنش منفی نشان می دهند یعنی قبح آن رفتار ناپسند در خانواده شکسته شده است که این موضوع به سه گروه عوامل اجتماعی، خانوادگی و روانی بستگی دارد. در حوزه اجتماعی موضوع آموزش، یادگیری، تربیت، ارتباط با همسالان، سطح اعتماد اجتماعی و... در شکسته شدن قبح جرایم در خانواده تاثیر گذار است. همچنین تغییر هنجار ها و شکل گیری ناهنجاری ها نیز در این میان مهم به شمار می رود. در حوزه عوامل خانوادگی تحصیلات، سبک تربیتی، شیوه برقراری ارتباط، نوع مهارت های آموخته شده و تاب آوری خانواده از شاخص های مهمی است که سبب می شود فرد مجرم دست به ارتکاب جرم بزند یا جرایم را برای همیشه ترک کند. اختلالات روانی در خانواده موضوع مهمی است که سبب می شود قبح جرایم در خانواده ها شکسته شود. افرادی که به لحاظ شخصیتی و خلقی دارای مشکلات رفتاری هستند به طور قطع وقتی مرتکب یک عمل مجرمانه می شوند و رفتارهای ناهنجار اجتماعی از آن ها سر می زند خانواده در خصوص رفتار آن ها واکنش تنبیهی و منفی نشان نمی دهد در حقیقت بروز جرم را عیب یا یک عمل اخلاقی زشت نمی دانند. برخی اختلالات خلقی مانند افسردگی، شیدایی یا اختلال دوقطبی و برخی دیگر از اختلالات شخصیتی، خودشیفتگی و شخصیت ضد اجتماعی سبب بروز ناهنجاری های رفتاری در جامعه می شود که برای اعضای خانواده موضوعی عادی به شمار می رود. گاهی اوقات هم اعضای یک خانواده به شکل متحد و برای رسیدن به اهدافی که از طریق ناهنجاری یا تخلفات و جرایم به نتیجه می رسند در کنار هم قرار می گیرند و یکدیگر را برای تحقق اهداف همزمان یاری می کنند البته در برخی از این خانواده های آشفته مشکلات اقتصادی و فرهنگی بی شماری وجود دارد که محیط ناامن خانوادگی سبب می شود سر نوشت خود را تها کنند. انکار باور ها یا این مسئله ارتباط مستقیم دارد اگر فردی در باور خود به این اعتقاد داشته باشد که جرم به زه خلاف به شمار نمی رود قطعاً توجیهاتی برای خانواده و والدین خود دارد بنابراین با همین توجیه مرتکب رفتار های غیر اخلاقی حتی به صورت خانوادگی می شود. در جامعه ای که ناامیدی جای امید، بی احترامی جای احترام، بی قانونی جای قانون و بی عدالتی جای عدالت را بر می کند بدیهی است افراد برای رسیدن به اهداف خود به هر راه مجرمانه ای متوسل می شوند این افراد نه تنها احساس شرم و گناه نمی کنند بلکه این کار را یک فرصت و توانایی قلمداد می کنند.

## ۳ مرگ تلخ در پنج شبه تهران

۳ پرونده جنایی در پنج شبه هفته گذشته پیش روی پلیس تهران قرار گرفت.

### مرگ تلخ کودک ۸ ساله

ساعت ۱۱:۳۰ صبح پنج شبه ۱۸ مهر امسال خبر مرگ تلخ پسر هشت ساله ای به ماموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید مخایره شد و تیمی از ماموران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند. ماموران در بررسی های پلیسی پی بردند که پسر خردسال هشت قرص متادون را که در دسترس اش بوده خورده و به کام مرگ فرو رفته است. به این ترتیب جسد پسر بچه به پزشکی قانونی منتقل شد.

### قتل داماد به خاطر ۳۰۰ هزار تومان

ساعت ۵ عصر پنج شبه ۱۸ مهر بود که ماجرای درگیری مرگبار دو مرد در یک ساختمان نیمه کاره به ماموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس گزارش شد. ماموران با حضور در محل درگیری با جسد مرد جوانی که هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود روبه رو شدند و تحقیقات فنی از سوی ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران آغاز شد. کارآگاهان در تحقیقات پلیسی پی بردند که پسر جوان دریا پارکینگ ساختمان و در نزدیکی چادری که کارگران افغان در حال استراحت بودند با دامادشان به خاطر اختلاف حساب ۳۰۰ هزار تومانی درگیر شده و دست به قتل زده است.

### قرص برنج

ساعت ۱۰ صبح پنج شبه ۱۸ مهر امسال ماموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید از مرگ تلخ مردی باقرص برنج در جنوب تهران مطلع شدند و با حضور در بیمارستان تحقیقات خود را آغاز کردند. با بررسی های پلیس مشخص شد که مرد جوان سر درد داشته و اشتباهی به جای قرص مسکن، قرص برنج خورده است که باز پس ویزه قتل دستور داد جسد برای بررسی های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شود.

پشت پرده های ۳ پرونده تبهکاری در پایتخت در تجسس های پلیسی فاش شدند.

### باند خانوادگی

داماد خانواده وقتی دید شرایط مالی برادر های همسرش مثل خودش خوب نیست سناریوی اخاذی در نقش تصادفات ساختمنی طراحی کرد و یک باند خانوادگی به راه انداخت. اوایل شهریور امسال بود که ماموران پلیس تهران با مراجعه چند راننده که همگی ادعای کردند چندم در تصادفات ساختمنی دست به اخاذی از آن ها زده اند، مواجه شدند و همین کافی بود تا تیمی از ماموران برای دستگیری عاملان این تصادفات ساختمنی وارد عمل شوند. با بررسی های پلیس مشخص شد که چندم دبان نزدیک شدن به خودرو ها خودشان را به خودرو های زنده در نقش تصادف ساختمنی از سوژه ها پول می گیرند. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران با اقدامات فنی و پلیسی چهار مرد جوان را که همگی اعضای یک خانواده بودند در عملیات پلیسی دستگیر کردند. تحقیقات حاکی از آن بود که داماد خانواده همراه سه برادر زن خود در این سرقت

### سرقت های جوان آرایشگر

چندی قبل ماموران پلیس تهران از سرقت های سریالی از خانه های شرق تهران مطلع شدند و با توجه به حساس بودن دزدی ها تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عامل این سرقت ها وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند که دزدان با اطلاع از خالی بودن خانه ها دست به سرقت زده اند که در این مرحله دور بین های مدار بسته در نزدیکی محل های سرقت مورد بازبینی قرار گرفت و خیلی زود تصویر یکی از دزدان که او اخر سال گذشته از زندان آزاد شده بود شناسایی شد. همین کافی بود تا تیم پلیسی در عملیاتی غافلگیرانه سارق سابقه دار را در شرق تهران دستگیر کند و متهم در بازجویی ها ادعا کرد که از طریق یک دوست مشترک با پسر جوان که در آرایشگاه مردانه کار می کرد خانه های طعمه هایمان را شناسایی می کردیم و پس از اطمینان از خالی بودن خانه ها من برای سرقت وارد عمل می شدم. به این ترتیب ماموران در دو عملیات همزمان پسر آرایشگر و رابط بین سارق اصلی را دستگیر کردند.

### گفت و گو با سارق آرایشگر

امیر ۲۸ ساله، آرایشگر از اعتماد مشتریانش سوء استفاده کرده و با اطلاع از وضعیت مالی آن ها و نبودشان در خانه، سرخ را به همدستانش می داد و آن ها نقشه سرقت را اجرا می کردند.

### سابقه داری؟

نه. **چه کسانی را هدف سرقت هایتان قرار می دادی؟** مشتریان آرایشگاه را که با آن ها دوست بودم هدف سرقت هایمان قرار می دادم.

### چطور؟

وقتی با مشتریام صحبت می کردم و می فهمیدم وضعیت مالی خوبی دارند آن ها را در فهرست خود قرار می دادم و آمارشان را به همدستم می دادم. **چطور متوجه خالی بودن خانه ها می شدی؟** به من ربطی نداشت، بعد از شناسایی سوژه ها همدستم برای سرقت دست به کار می شد، من نقش فیزیکی در سرقت ها نداشتم.

### شغل؟

### آرایشگر.

### چرا دزدی؟

طمع کردم و پشیمانم.

ها حضور داشته است و آن ها پول زیادی نیز اخاذی کرده اند. حمید ۴۲ ساله که داماد خانواده است ادعا می کند به خاطر نداشتن پول اجاره خانه همراه برادر های همسرش این سرقت ها را انجام می داده است.

این مرد در اعترافش گفت: سال گذشته از طریق رسانه ها شنیدیم یک باند ۱۱ نفره با تصادف های ساختمنی از مردم اخاذی می کنند تا این که من به خاطر مشکلات مالی و نداشتن اجاره خانه به فکر چاره بودم که یک شب که با برادر های همسر دور هم جمع شده بودیم تصمیم به این کار گرفتیم. وی افزود: از قبل سوژه ها را شناسایی می کردیم و به برادر های زنم اطلاع می دادم و سپس یکی از آن ها خودش را به خودرو نزدیک می کرد و به طور مثال دستش را به آینه خودرو می زد و با این ترغندن نیز به کمک او می رفتم و با چرب زبانی راننده را وسوسه می کردم که پولی به مرد جوان که برادر زنم است بپردازد و برود، باور کنید از کسی به زور و اجبار پول نمی گرفتیم. برادر های همسر این مرد نیز که هر یک به بهانه ای وارد باند شده بودند ادعا کردند به خاطر اعتیاد و کمک به بیماری مادرشان دست به این کار زدند و فکر نمی کردند دستگیر شوند.



### دزد سابقه دار

حسن ۳۰ ساله که یک سارق سابقه دار است ادعا می کند به خاطر بیکاری و به دلیل این که قشر ضعیف جامعه است دست به دزدی زده است.

### سابقه داری؟

بله، آخرین بار اسفند سال گذشته از زندان آزاد شدم.

### چه نقشی در باند داشتی؟

بعد از این که امیر سرخ از طعمه هایمان می داد من برای سرقت دست به کار می شدم و با کمین کردن جلوی خانه ها وقتی اهالی خانه بیرون می رفتند وارد عمل می شدم و دزدی می کردم.

### چندر پول به دست آوردی؟

۱۰۰ میلیون تومان.

### شنیدم میلیاردری سرقت کردی؟

اگر از خانه های دیگری که شناسایی شده بودند سرقت می کردم به پول زیادی می رسیدم. **فکر می کردی دستگیر شوی؟** نه. اشتباه کردم و به چیزی فکر نمی کردم.

### چطور با امیر آشنا شدی؟

از طریق یکی از دوستان مشترکم با امیر آشنا شدم و چندبار به آرایشگاه او رفتم و بعد از این که با هم بیشتر آشنا شدیم این سرقت ها را طراحی کردیم.

## بررسی حوادث

## راز گشایی از تبهکاری های ۷ مرد در پایتخت

# لیست سیاه آقای آرایشگر!



### کلاهبرداری با لباس عربی

چندی قبل دختر جوانی با حضور در پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران از کلاهبرداری یک جوان عرب نما در یکی از هتل های شمال تهران خبر داد.

دختر جوان به ماموران گفت: در لابی یک هتل شیک در شمال تهران بودم که با یک پسر جوان که لباس عربی به تن داشت آشنا شدم و دوستی ما ادامه داشت تا این که متوجه به سرقت رفتن کارت بانکی ام شدم و وقتی خواستم ماجرا را پیگیری کنم متوجه شدم که از حسابم ۵۰ میلیون تومان پول برداشت شده است و از همان روز به بعد دیگر اطلاعی از پسر عرب ندارم.

به این ترتیب تیمی از ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و با توجه به تصاویر دوربین های مدار بسته مغازه طلا فروشی و هتل شیک توانستند جوان عرب نما را شناسایی کنند.

همین سرخ کافی بود تا پسر جوان در عملیات پلیسی دستگیر شود. این جوان که اصالتاً ایرانی است با توجه به تسلط داشتن به زبان انگلیسی توانسته بود در نقش یک عرب زبان اعتماد دختر جوان را جلب و سپس اقدام به خالی کردن حساب او کند.

### گفت و گو با جوان فریبکار

میش ۳۰ ساله که مادرش متولد کشور های عربی است ادعا می کند که دختر جوان قصد سر کیسه کردن مرا داشت و من خودم دست به کار شدم و برای ادب کردن دختر فریبکار حسابش را خالی کردم.

### سابقه داری؟

خوشبختانه نه.

### الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

خالی کردن حساب دختر جوان.

### شیوه و شگرد؟

یک روز من در لابی یک هتل سرگرم خوردن قهوه بودم که دختر جوان با ترغند خاص خودش به من نزدیک شد و فکر می کردم یک شیخ نشین عرب هستم و با این طرز فکر قصد داشت از من پول زیادی اخاذی کند که من متوجه نقشه اش شدم.

**از کجا متوجه شدی قصد سر کیسه کردن تو را دارد؟** فکر می کردم فارسی بلد نیستم و وقتی که با تلفن صحبت می کردم متوجه کارش شدم و حتی در این مدت که در نقش مترجم او هم بودم به من گفت که اگر مسافر عرب و اروپایی سراغ دارم به او معرفی کنم و سهم خودم را از او بگیرم.

### تو چطور حسابش را خالی کردی؟

یک بار در رستوران شماره کارتش را گفت تا این که کارتش روی زمین افتاد و من بدون این که متوجه ماجرا شوم آن را برداشتم و حسابش را خالی کردم.

### چقدر برداشت کردی؟

۵۰ میلیون تومان که با کارتش سکه طلا خریدم.

### در پوشش لباس عربی قصد سرقت داشتی؟

مادر من عرب است و وقتی دیدم دختر جوان به پوشش لباسم توهین می کند تصمیم گرفتم او را ادب کنم و حتی می خواستم سکه ها را به او پس بدهم که دستگیر شدم.

### یعنی نیت شیطانی نداشتی؟

نه، او نیتش شیطانی بود، حتی پس از دستگیری ادعا کرده که یک دستبند طلا هم سرقت کردم اما دروغ می گوید و من تنها ۵۰ میلیون برداشت کردم که سکه هادر دفترم است و به او پس می دهم.



جوان فریبکار که با پوشیدن دشداشه کلاهبرداری می کرد

# جنایت ناموسی در پایان سوگند برادری!

بازداشت شد اما ادعا کرد از نحوه کشته شدن دوست صمیمی اش اطلاعی ندارد اما در بازجویی های فنی قتل را گردن گرفت و گفت دوستان صمیمی اش را به خاطر مسائل ناموسی کشته و در این ماجرا دوستش مصطفی نیز با او همدست بوده است و با این ادعا مصطفی نیز بازداشت شد.

### در دادگاه

این دو مرد دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربانزاده و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه پدر و مادر قربانی برای عادل حکم قصاص خواستند. سپس او در جایگاه ویژه ایستاد و قتل را گردن گرفت. وی که حالا ۴۰ سال دارد، گفت: من جوانم و دو شیشه مصرف می کردم و از سال ها قبل با هم دوست بودیم. ما با هم قسم برادری خورده بودیم و با آن که جواد مجرد بود به خانه یکدیگر رفت و آمد داشتیم. مادر زمینه فروش عمده لباس نیز با یکدیگر همکاری بودیم اما دوستم به من خیانت کرد و به همسر من نظر داشت.

وی ادامه داد: مدت ها پیش به همراه دایی ام برای سفر کاری به ترکیه رفته بودم. وقتی برگشتم همسر حرف هایی به من زد که از شنیدن آن شوکه شدم. او می گفت در غیاب من جواد چندین بار در تلگرام برای او پیام فرستاده و به صورت غیر علنی به او ابراز علاقه کرده است. من چون به جواد اعتماد داشتم

به حرف های همسر اهمیتی ندادم اما با رفتارهای عجیب همسر کم کم به جواد مشکوک شدم.

این متهم در تشریح جزئیات ماجرا گفت: یک روز که جواد در خانه ما مهمان بود و من در حال آب دادن به گل های باغچه بودم همسر مرا دیدم که سراسیمه از اتاق بیرون آمد. او حالتی ملتهب داشت و به خاطر حضور جواد در خانه مان به من اعتراض کرد اما من بار دیگر حرف های او را ادب کنم. من از مصطفی که دوست مشترک من و جواد بود کمک خواستم. من و مصطفی با موتور دنبال جواد رفتیم و به بهانه ملاقات با یکی از دوستان مشترکمان به نام بهمن او را سوار موتور کردیم و به روستای کوره فرنگ بردیم. آن جا من با چاقو به جواد حمله کردم و او را کشتم. مصطفی می خواست مانع من شود اما او را تهدید به مرگ

کردم و خواستم سکوت کند. من بنزینی را که از قبل داخل بطری ریخته بودم روی جسد ریختم و آن را آتش زدم. مصطفی در این ماجرا نقشی نداشت و به خاطر تهدید های من فقط ماجرا را نظاره کرد. با پایان دفاعیات این مرد، مصطفی در جایگاه ویژه ایستاد. وی گفت: من نقشی در این قتل نداشتیم و فقط همراه عادل رفته بودم. باور کنید نمی دانستم قرار است عادل دست به چنین کاری بزند. وقتی او با چاقو به جواد حمله کرد می خواستم مانع او شوم اما او مرا تهدید به مرگ کرد.

بنابر این گزارش، در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.